



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته روابط بین الملل

موضوع: بررسی روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل بعد از سقوط صدام و پیامدهای آن بر امنیت

ملی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما: آقای دکتر مجتبی مقصودی

استاد مشاور: آقای دکتر محمد جواد حق شناس

پژوهشگر: سید مجید زمانی

زمستان ۹۲

(سبح الله الرحمن الرحيم)

به روان پاک پدرومادر

آنان که چو شمع سوختند و مرا پرسیدن آموختند.

تقدیم به :

آنکه به نام قلم، قسم یادکرد، وبا خواندن، دریچه ای به رموز واسرار بیکران خلقت گشود . تمامی

جویندگان وپیوندگان راه علم وطریقت که برای کسب معرفت، همچون شمعی تابان از بود خویش

مایه می نهند تا آینده درختان فطرت دیگران را متبلور سازند و تقدیم به

استادان ارجمند ج ناب آقای دکتر مجتبی مقصودی و جناب آقای دکتر محمد جواد حق شناس که با

حوصله بسیار تمام مراحل این پژوهش را راهنمایی کردند وسخاوتمندانه یاریم فرمودند.

به گونه ای متفاوت، مدیون فداکاری همسر هستم که مایه امید و سرمایه زندگانیم می باشند و همواره

مشکلات تحصیل بنده را تحمل نموده اند.

اینجانب سید مجید زمانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۹۰۰۷۹۸۶۷۱ در رشته روابط بین الملل که در تاریخ ۹۲/۱۰/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی روابط سیاسی کردستان عراق با اسرائیل بعد از سقوط صدام و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با کسب نمره ۱۹ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود نام منبع مورداستفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و .. از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوط را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضاء

باسمه تعالی

درتاریخ ۹۲/۱۰/۲۸

سید مجید زمانی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با

نمره ۱۹ به حروف نوزده و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت .

امضاء استاد راهنما

عنوان

مقدمه

فصل اول : کلیات پژوهش

۱-۱ بیان مسئله.....	۵
۲-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن.....	۵
۳-۱ سوالات و فرضیه های تحقیق.....	۶
۴-۱ متغیرها و واژه های تحقیق.....	۶
۵-۱ ادبیات و پیشینه تحقیق.....	۱۵
۶-۱ روش تحقیق و شیوه جمع آوری اطلاعات.....	۱۹
۷-۱ محدوده تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی).....	۱۹
۸-۱ موانع و نوآوری های تحقیق.....	۱۹
۹-۱ سازماندهی تحقیق.....	۱۹

فصل دوم : مطالعات نظری

۱-۲ همکاری های منطقه ای در سایه واقع گرایی و امنیت ملی.....	۲۲
۲-۱-۱ واقع گرایی.....	۲۲
۲-۲ قدرت.....	۳۸
۳-۲ همکاری منطقه ای.....	۳۹
۴-۲ امنیت ملی.....	۴۰

- ۵-۲ قوم، قومیت و ناسیونالیسم قومی در منطقه خاورمیانه ۴۲
- ۱-۵-۲ ناسیونالیسم ۴۲
- ۲-۵-۲ قومیت و ناسیونالیسم قومی ۴۵

فصل سوم : تاریخچه روابط سیاسی اسرائیل با کردستان عراق

- ۱-۳ ریشه های تاریخی ارتباط بین کردستان عراق و اسرائیل ۴۸
- ۲-۳ تاریخچه روابط سیاسی میان اسرائیل و کردستان عراق ۵۶
- ۱-۲-۳ آژانس یهود و رابطه با اکراد عراق ۵۷
- ۲-۲-۳ اسرائیل و رابطه با اکراد عراق ۶۰
- ۳-۳ پیشینه خاستگاه یهودیان عراق تا شکل گیری دولت اسرائیل ۶۴
- ۱-۳-۳ نفوذ جنبش صهیونیسم به عراق و وضعیت یهودیان ۶۷
- ۲-۳-۳ تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ و وضعیت یهودیان ۶۸
- ۳-۳-۳ ظهور رژیم بعثی در عراق و حضور اسرائیل ۷۱
- ۴-۳-۳ صدام و نگرش او نسبت به یهود و اسرائیل ۷۳

فصل چهارم : بررسی روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل بعد از سقوط صدام

- ۱-۴ زمینه های حضور اسرائیل در عراق ۷۵
- ۱-۱-۴ بررسی ریشه های حضور یهود در عراق ۸۰
- ۲-۱-۴ کردستان عراق و زمینه حضور اسرائیل در عراق ۸۲
- ۳-۱-۴ علل و اهداف رهبران اسرائیلی در نزدیکی به کردستان عراق ۸۳
- ۲-۴ علل و اهداف رهبران کرد عراقی در نزدیکی به اسرائیل ۹۱

فصل پنجم: پیامدهای امنیتی ملی روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل بر جمهوری اسلامی ایران

- ۱-۵ اسرائیل در عراق و تهدید علیه ایران..... ۹۶
- ۱-۱-۵ خلاً استراتژیک در عراق و جدال دولتهای همسایه ۹۶
- ۵- ۱- ۲ حمایت از فدرالیسم کردی ۱۰۷
- ۵- ۲ جاسوسی و کنترل فعالیتهای ایران..... ۱۱۴
- ۵-۲-۱ ایجاد بازدارندگی..... ۱۱۹
- جمع بندی و نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات :..... ۱۳۱
- ضمائم..... ۱۴۰
- منابع و ماخذ :..... ۱۴۴

مقدمه

کردستان عراق به مناطق شمالی کشور اطلاق می شود که از طرف شمال به مرزهای ترکیه و از طرف شمال شرق به سوریه و از طرف غرب به ایران و از طرف جنوب نیز به شهرهای مختلف عراق منتهی می شود و این منطقه جغرافیایی پس از شکل گیری کشور عراق مورد مناقشه کردها، عراق و ترکیه بوده است در واقع سه تفسیر مختلف در مورد مناطق کردنشین کردستان عراق وجود دارد از م نظر کردها کردستان عراق شستن استان دهوک، اربیل، سلیمانیه، خانقین، کرکوک و موصل را دربر می گیرد اما حکومت مرکزی عراق کرکوک را که یکی از مناطق عمده نفت خیز است جزو مناطق کردنشین به حساب نمی آورد از طرفی هم ترکیه - کرکوک و موصل که در گذشته بعنوان دو مرکز عمده امپراطوری عثمانی مطرح بوده است را ترکمن نشین قلمداد کرده و نسبت به این ادعاهای ارضی را در چندین مورد بیان کرده است . به دنبال تحولات پس از فروپاشی و بحران درعراق، احزاب سیاسی کردستان و نیروهای نظامی آن نه تنها کردستان را اداره و مشکلات اولیه دولت - ملت سازی شان را حل کرده اند بلکه در حیات سیاسی و امنیتی کل عراق حضور و نفوذ تعیین کننده دارند . کردستان عراق علی رغم، پیوستگی های زبانی، نژادی و فرهنگی با ایران ، عراق و ترکیه در صورت اهمال امکان دارد با چرخشی در سیاست های خود به دامن کشورهای دیگر رفته و ضرری جبران ناپذیر را متوجه کشورهای یاد شده کند. بعد از اشغال عراق و تحت فشار این سه حوزه و عدم اطمینان در قبال سیاست های آمریکا، ناچار به سوی اسرائیل کشیده شده است . از سوئی کردهای عراق که پس از جنگ ۱۹۹۱، زمان را برای افکار خود مناسب می دیدند، خواهان گسترش تعاملات دیپلماتیک خود برای خروج از انزوای سیاسی خود بودند و در این مسیر برای رسیدن به هدف خود اسرائیل را که متحد استراتژیک آمریکا در منطقه بوده را به عنوان هم پیمانی استراتژیک انتخاب نموده، و لذا برای اولین بار با کارت سایر کشورها بازی کرده و پای اسرائیل را به معادلات پیچیده اقلیم خود باز کردند.

لذا بنا بر شرایط جدید منطقه و غنای دیپلماتیک که سران و مردم کرد در پی سال ها مبارزه کسب کرده بودند و با توجه به جغرافیای شکننده و استقرار بر روی گسل تم دنی عرب، ترک، فارس، که روی آن قرار گرفته بودند حضور اسرائیل را در راستای ارتقاء اقتصادی و فنی خود دانسته و ضمن اینکه تلاش نموده حساسیت کشورهای همسایه را بر نی انگیزند، نزدیکی به اسرائیل را دنبال می نمایند. کردها از دیرباز به دنبال استقرار نظام فدرالی در عراق بوده اند پارلمان کردی با طرح نظام فدرالی عراق موافقت کرد در این زمینه همچنین تلاش هایی را برای جمع بندی ایده ها و افکار مختلف میان معارضه عراقی در مورد فدرالیسم انجام دادند اما در برخی موارد کردها بر این امر اصرار داشتند که در داخل عراق که کشوری غیر دموکراتیک می باشد امکان تحقق فدرالیسم وجود ندارد در حال حاضر رویکرد اصلی کردها نسبت به تحولات اخیر در عراق و آینده این کشور با اشغال عراق و پایان یافتن حاکمیت بعث در این کشور کردها بعنوان یکی از قربانیان ظلم و ستم دیکتاتور سابق عراق فرصت را مناسب دیدند تا ضمن همکاری کامل برای سقوط رژیم صدام بتوانند اهداف و آمال دیرینه خود را در عراق محقق سازند در این راستا افکار عمومی کردها در عراق، شخصیت ها، نویسندگان و عناصر مذهبی از یک طرف و دولت مردان نیز از طرف دیگر سه رویکرد متفاوت را همانند گذشته اتخاذ کردند.

در منطقه خاورمیانه اسرائیل تنها حامی تشکیل یک دولت مستقل کردی است تا بتواند از این طریق به نحوی فشار بر خود را کاهش دهد. اسرائیل عراق ضعیف و تجزیه شده را ترجیح می دهد، با توجه به این که یکی از اصیل ترین آرمان های کردها، تحقق کردستان بزرگ بوده و اسرائیل نیز آشکارا از این موضوع حمایت می کند، رهبران کرد ایجاد روابط نزدیک با اسرائیل را گامی بزرگ در راستای تحقق این هدف می دانند و از طرف دیگر نزدیکی و هم گرایی اسرائیل با کردهای کردستان عراق در راستای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، با حضور و نزدیکی در منطقه را برای خود دنبال

می کند تا هر دفعه و زمان خاص بتواند سدی را در مقابل ایران جهت دفاع از منافع امنیت ملی خود دنبال نماید. یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد، ایجاد اهرم بازدارنده در مقابل ایران است.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱- بیان مسأله تحقیق:

کردستان عراق بعد از سقوط صدام به نحوی بدنبال کسب خود مختاری بوده و اسرائیل طی نیم قرن گذشته به عنوان یکی از عوامل اصلی بحران خاورمیانه، همواره در حدی از انزوا و فروبستگی محیط امنیتی بوده است. لذا باتوجه به اینکه درحال حاضر ابهامات بسیاری در روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل وجود دارد. شناخت روابط پنهان و آشکار این دو بازیگر برای منافع سیاسی ایران نیز حائز اهمیت می باشد. ازیک سو به نظر می رسد دولت مردان کردستان عراق ایجاد رابطه مستحکم با اسرائیل را فرصتی برای گسترش حاکمیت کردی، رهاشدن از تنگنا و فشارهای اعراب، تامین منافع نظامی، کسب منافع سیاسی و اقتصادی قلمداد نموده و از سوی دیگر اسرائیل بدنبال کسب منافع استراتژیک خود در منطقه کردستان عراق پنداشت، که از آن طریق بتواند علاوه بر ایجاد سازوکارهای بازدارندگی زمینه‌های لازم، برای حمله و یا مقابله با ایران را داشته و درصدد است با تشکیل گروه‌های شبه نظامی از میان اکراد، اهرم فشاری همانند حزب الله در منطقه علیه ایران ایجاد کند. بنابر این این پژوهش در پی شناخت و بازخوانی روابط متقابل سیاسی کردستان عراق و اسرائیل بعد از فروپاشی حکومت بعثی عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران می باشد.

۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن:

با توجه به حضور اسرائیل در شمال عراق (منطقه اقلیم کردستان عراق) از یک طرف، و تعارضات میان کشورهای منطقه و به ویژه کشورهای همسایه آن، شناسایی دقیق اهداف و برنامه های اسرائیل به منظور پیش بینی تحولات آینده و نفوذ در منطقه کردستان عراق و تهدیدی بر علیه امنیت ملی ایران انگیزه و اهمیت موضوع انتخاب می باشد.

۳-۱ سوالات تحقیق:

سوال اصلی: روابط سیاسی کردستان عراق با اسرائیل بعد از سقوط صدام چه تاثیری بر امنیت

ملی، بویژه حوزه نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه: تقویت و گسترش روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل، باعث تهدید بر جمهوری

اسلامی ایران، بویژه در حوزه های نظامی و امنیتی می گردد.

سوالات فرعی:

۱- تاریخچه روابط کردستان عراق و اسرائیل از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ چگونه می باشد؟

۲- روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل با چه تئوری ها و نظریاتی قابل تبیین و ارزیابی است؟

۳- چه منافع اسرائیل بطور کلان در منطقه کردستان عراق دنبال می کند؟

۴- چه منافع کردستان عراق بطور کلان از ایجاد رابطه و دوستی با اسرائیل بدست می آورند؟

۴-۱ متغیرها و مفاهیم کلیدی:

توزان قوا منطقه، منافع ملی و سیاسی، اسرائیل، کردهای عراق، امنیت ملی

متغیر مستقل: روابط سیاسی کردستان عراق و اسرائیل

متغیر وابسته: امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

توازن قوا منطقه

نظام بین الملل، نتیجه موازنه قدرت است. هردولتی برای رسیدن به منافع ملی اش تلاش می کند و در نتیجه دولتها به مرحله ای می رسند که نوعی توازن درمیان آن ها به وجود آید. بعضی دولت ها، درنقش تعادل کننده بازی می کنند. اثرات موازنه قدرت : ۱- احتمال کاهش جنگ ۲ - استقلال دولتها در مخاطره نیست، ۳- سیستم کشور چند گانه ای ایجاد می شود.

نظریه توازن (تعادل) :

کوئنسی رایت، توازن قوا را چنین تعریف می کند : رابطه ای بین نیروهای عمل کننده بریا درون یک گروه که درکل، درجه ای از تصویر ثبات را آشکار می کند جهان مجموعه ای از دولت های مستقل است . دولت ها از گروهی اعضای محدود تشکیل می شوند که به عنوان یک تمایت (موجودیت) قلمداد شود. این گروه با دیگر گروه ها رابطه متقابل برقرار می کنند که این فعل وانفعالات، درنهایت، منجر به شکلی از ثبات می شود. این ثبات درنهایت توازن (تعادل) نامیده می شود. توازن دو شکل دارد: عمومی و قانونی (ابراهیمی فر، ۱۳۸۸، ۴۸)

۱- توازن عمومی : جرج لیسکا، مروج اصلی روش توازن عمومی است. وی معتقد است که تمایل به توازن، درمیان همه عناصر روابط بین الملل وجود دارد . ثبات در میان نیروهایی که در داخل گروه های موجود، فعل وانفعال دارند، حفظ می شود؛ هر چند که در ظاهر حوزه روابط بین الملل، بی ثباتی وجود دارد. (همان منبع، ۴۸)

۲- توازن قانونی: گفته می شود که نظام توازن بنیادی، می تواند در میان عناصر روابط بین الملل ایجاد شود. قدرت در میان دولت ها باید به طریقی تقسیم شود که هیچ کس به خود اجازه ندهد که به دیگری حمله کند.

نظام دو قطبی :

نظام دو قطبی، نوعی خاص از توازن قدرت است که قدرت بالقوه، تحت نظارت دو مرکز قدرت قرار دارد. مفهوم دو قطبی، دو شکل دارد: دو قطبی فشرده (متصلب) و دو قطبی آزاد (منعطف) در یک نظام دو قطبی فشرده، دولت ها حول مراکز قدرت جمع می شوند. اعضای یک گروه، عموماً روابط دوستانه‌ای با دیگر گروه ها یا اعضای آن گروه ندارند. در این سیستم، دولت های پیرامون، به عنوان اجزای یک طرف یا طرف دیگر تلقی می شوند. نگاه دو قدرت به کشورهای عضو عدم تعهد که سیاست مستقلی را دنبال می کردند، شکاکانه بود و لذا جایی در این سیستم نداشتند. در نظام دو قطبی گذشته بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) کمونیست ها کشورهایی را که عضو بلوک شرق نبودند. خادم امپریالیست می نامیدند و ایالات متحده، کشورهای طرفدار بلوک شرق را غیر دموکراتیک می نامید. از دهه ۱۹۵۰ نظام دو قطبی فشرده به نظام دو قطبی آزاد تغییر شکل داد. دو مرکز قدرت یعنی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) مداراگری بیشتری نسبت به کشورهای جهان سوم نشان دادند و تغییرات پویایی در سیاست خارجی خود خصوصاً نسبت به کشورهای عدم تعهد نشان دادند. از این رو دو طرف قدرت، برخی مناسبت اقتصادی و فرهنگی ایجاد کردند و در بسیاری موارد، در جهت همکاری، تسهیلاتی را نسبت به سیاستهای یک دیگر فراهم آوردند. به همین دلیل این نظام را نظام دو قطبی منعطف نامیدند. در راستای بررسی توازن قوا به نگرش نظام جهانی، برپایه انسان دوستی، جهان بینی و چند ملیتی استوار است. طرفداران این روش معتقدند که همه جهان

باید به صورت یک دولت فدرال ساخته شود . فقط در این نظام است که نیازهای انسان برآورده می‌شود. طرفداران این نظریه معتقدند که نظام جهانی ، براساس سیاست های بین المللی زیادی در زمینه اقتصادی، سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی بوجود آمده است. و نظام شش گانه مورتون کاپلان معتقد است که نظام دولت- ملت، اساس نظام بین المللی است که عامل تعیین کننده فعالیت ها و عملکرد های نظام محسوب می شود. وی همچنین به قوای فیزیکی برای حفاظت از نظام تاکید می کند. به عقیده کاپلان، نظام بین المللی نمی تواند به عنوان یک نظام سیاسی تلقی شود؛ چرا که در نظام بین المللی، نقش تصمیم گیرندگان تابع آن است، در حالی که در نظام داخلی (ملی)، نقش آنها مهار نمی‌شود. (ابراهیمی فر، ۱۳۸۸، ۴۹)

منافع ملی و سیاسی:

منافع ملی یکی از بنیادی ترین و رایج ترین مفاهیم و واژه های سیاسی کنونی به ویژه در ادبیات مربوط به سیاست خارجی کشورهاست. این مفهوم از ترکیب دو واژه منافع و ملی تشکیل شده است که هر کدام از آنها به نوبه خود از گستردگی معنایی زیاد برخوردار هستند. این امر از جهاتی باعث ابهام در مفهوم منافع ملی گردیده است. با این وجود منافع ملی آن دسته از منافع تلقی می شوند که دولت ها به عنوان یک مجموعه و به نمایندگی از ملت هایشان در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن می باشند. اگرچه در عصر کنونی واژه منافع ملی و توجه به آن جزو الفبای سیاست خارجی و نظام دیپلماسی کشورها محسوب می شود اما سابقه کاربرد این مفهوم به عنوان اصول راهنمایی روابط دیپلماتیک کشورها به مراحل اولیه تحول دولت مدرن در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی باز می‌گردد. این مفهوم در قرن هجدهم بروز بیشتری یافت و در قرن نوزدهم تحت تاثیر جنگ های ناپلئونی عینیت بیشتری را شاهد بود. در دهه های اولیه قرن بیستم نیز با گسترش ادبیات مرتبط با این

امر تلاش زیادی برای تمایز بین منافع عمومی که به سیاست های داخلی دولت ها اشاره دارد با منافع ملی که راهنمای آن ها در روابط خارجی شان است صورت گرفت. مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم و تحت تاثیر آموزه های مکتب واقع گرایی مورد توجه شدید واقع شد. در این دوران هانس جی مورگانتا یکی از بزرگترین نظریه پردازان روابط بین الملل، نظریه واقع گرایی سیاست های بین المللی را بر مبنای مفهوم منافع ملی بنا نهاد. مورگانتا منافع ملی را آن دسته از منفعی تلقی می کند که دولت ها در یک برهه زمانی خاص و در پرتو شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سیاست خارجی خود را بر مبنای آن تنظیم می کنند و در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند. اگر چه هر ملت متشکل از تک تک شهروندان خود است اما منافع ملی حاصل جمع منافع کلیه شهروندان یک کشور که هم چون تخم مرغ های جداگانه در کنار هم در یک سبد گذاشته شده اند نیست. منافع ملی کشورها اگرچه در کل منافع عمومی جامعه و کشور را مد نظر قرار داده اما از سوی دیگر با نوع نظام سیاسی حاکم نیز مرتبط است. در نظام بین الملل کشورهای با نظام های سیاسی مختلف اهداف متفاوتی دارند که تحقق این اهداف نیز نیازمند شیوه های مختلف سیاست خارجی می باشد. البته بسیاری از جمله مورگانتا و طرفداران مکتب واقع گرایی در سیاست بین الملل معتقدند که مفهوم منافع ملی از عینیت برخوردار است و برای تمامی کشورها صرف نظر از ارزش های مطلوب آنها یکسان می باشد. در این دیدگاه مفهوم منافع بر پایه مفهوم قدرت تعریف می شود که بر مبنای آن اهداف سیاست خارجی هر کشور را نباید فراتر از قدرت آن کشور تعریف شود؛ چرا که منابع تحقق خواسته های ملی برای کشورها در نظام بین الملل به شدت محدود است. این وجود، جیمز روزنا یکی از بزرگترین نظریه پردازان اخیر روابط بین الملل از این نگرش انتقاد می کند و تاکید دارد که منافع ملی کشورها ری شه در ارزش ها دارند و

در محاسبه قدرت آنها ارزش های مطلوب آن ها نیز دخیل هستند و در نتیجه کشورهای مختلف اهداف متفاوتی را دنبال می کنند.

اسرائیل:

اسرائیل از نظر ظاهری، در راه رسیدن به سطح کشورهایمانند هلند و بلژیک، مجهز به علوم و فنون عصر حاضر، در جهت توسعه و ترقی صنعتی و اقتصادی گام های بلند و موثری برداشته است. جمعیت آن پیوسته در حال افزایش است، زاد و ولد تشویق می گردد، امور بهداشت و درمان کودکان با دقت و حساسیت خاصی دنبال می شود. در کنار موسسه های عالی و دانشگاه ها، سازمان ها و تشکیلات تحقیقاتی احداث گردیده است. سعی بر این است تا با دعوت از متفکران، استادان و متخصصین یهودی سایر کشورها، ولو بطور موقت، افکار علمی مدرن، طرح ها و اختراعات این قبیل افراد، بمنظور تقویت نیروی فکری و تربیت کارشناس، به داخل اسرائیل منتقل گردد. همه اینها متکی بر یک اصل است که آن اصل دین یهود بوده و سه بخش اساسی آن را نیز، تاریخ یهود، زبان و ناسیونالیسم یهود تشکیل می دهند. اسرائیل بطور اعجاب انگیزی با گذشته و تاریخش وابستگی دارد. اسرائیل خصوصیات و آداب دینی را پذیرفته، علم و تکنیک را با مذهب مرتبط ساخته، و در اثر تعلیم و تربیت همه جانبه ملی و معنوی، دین را به صورت یک آرمان، درزندگی روزمره جامعه یهود، اساس قرارداد است. اسرائیل دارای قانون اساسی مشخصی نبوده، اصل سیاست دولت اسرائیل را، عقاید مذهبی مبتنی بر تورات، میشنا، و تالمود، و عادات و رسوم قوم یهود پایه ریزی می نماید، علاوه براین، یکی از اعضاء کابینه وزیر امور دیانت است. در اسرائیل محل پارلمان را که سیاست های داخلی و خارجی در آنجا تهیه و برنامه ریزی می شود، کنشت یا محل عبادت می نامند. اسرائیل سیاست خارجی متفاوتی از دیگر بازیگران منطقه دارد. این رژیم از زمان تاسیس تاکنون، همواره با مسائل امنیتی درگیر

بوده و بزرگ ترین هدفش درسیاست خارجی، تثبیت موجودیت خود و حفظ و گسترش تمامیت ارضی بوده است. درعین حال، به باور بسیاری از کارشناسان، سیاست های اسرائیل در منطقه خاورمیانه دارای ابعاد دیگری نیز هست. اسرائیل به صورت طبیعی و همانند هر دولت دیگری در پی افزایش قدرت خویش است، اما اولاً، رفتار آن نشان دهنده این مسئله است که این موضوع را به بهای کاهش قدرت کشورهای رقیب خود در منطقه پی گیری نموده و به دنبال نوعی هژمونی منطقه ای است. سیاست هایی مثل ابهام هسته ای، انحصار طلبی هسته ای و تلاش برای تضعیف و انزوای کشورهای رقیب را در این چهارچوب می توان ارزیابی کرد. ثانیاً، سیاست های اسرائیل چه در ارتباط با فلسطینی ها و چه در ارتباط با خارج دارای بعد ایدئولوژیک است و این موضوع بر پیچیدگی های رفتار آن می افزاید. در سال های اخیر، بروز برخی تحولات منطقه ای مانند بحران افغانستان، عراق و لبنان (بعد از سال ۲۰۰۶)، تثبیت نقش عنصر شریعی در ساخت قدرت و سیاست منطقه ای، توانایی نقش سازی و تاثیر گذاری ایران را در مسائل سیاسی - امنیتی خاورمیانه افزایش داده و این مسئله، توازن سنتی قوا را در منطقه به ضرر اسرائیل به خطر انداخته و باعث تنزل جایگاه آن در منطقه شده است.

کردستان عراق:

کردستان عراق به مناطق شمالی کشور عراق اطلاق می شود که از طرف شمال به مرزهای ترکیه و از طرف شمال شرق به سوریه و از طرف غرب به ایران و از طرف جنوب نیز به شهرهای مختلف عراق منتهی می شود و این منطقه جغرافیایی پس از شکل گیری کشور عراق مورد مناقشه کردها، عراق و ترکیه بوده است در واقع سه تفسیر مختلف در مورد مناطق کردنشین کردستان عراق وجود دارد از منظر کردها کردستان عراق شستن استان دهوک، اربیل، سلیمانیه، خانقین، کرکوک و موصل را در بر می گیرد اما حکومت مرکزی عراق کرکوک را که یکی از مناطق عمده نفت خیز است جزو مناطق